

وضعیت اعتبارسنجی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام

کاظم استادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

چکیده

از گذشته تا کنون، نظرات متضادی درباره تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام بیان شده است؛ عده‌ای از اندیشمندان کتاب را مخدوش و موضوع می‌دانند، و به آن تصریح نموده‌اند؛ و عده‌ای از علماء نیز کتاب را به تصریح یا استفاده، معتبر دانسته‌اند. با توجه به این مناقشات و مخصوصاً ایراد اشکال به انتساب تفسیر به امامین عسکریین علیهما السلام، این مسأله به وجود می‌آید که: اصالت کتاب تفسیر عسکری چگونه است؟ اعتبار این کتاب در چه وضعیتی قرار دارد؟ آیا دلایلی بر عدم انتساب یا انتساب تفسیر به امامین عسکریین علیهما السلام قابل طرح هستند؟ نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که، این تفسیر به دلایل مختلفی، هم معتبر نیست و هم از امامین عسکریین علیهما السلام نیست؛ همانند: ۱. مشهور نبودن تفسیر در بین امامیه تا قرن ششم. ۲. عدم شناسایی تفسیر و راوی آن در فهرس و تراجم متقدم و متأخر. ۳. مورد «مناقشه» بودن تفسیر، از ابتدای رواج. ۴. مشکلات رجالی و اسنادی، همانند تفاوت سند نسخه تفسیر در احتجاج با سند نسخه خود تفسیر. ۵. ناهماهنگی داستان‌های راویان تفسیر با امام عسکری علیه السلام. ۶. مورد استفاده قرار نگرفتن تفسیر توسط جمهور علمای امامیه. از سوی دیگر، شواهدی نشان می‌دهد که مؤلف تفسیر عسکری، ناصر کبیر اطروش است. کلیدواژه‌ها: تفسیر عسکری، حسن بن علی، اطروش، احتجاج، امام هادی علیه السلام، صدوق.

مقدمه

تفسیر امام حسن بن علی عسکری علیه السلام، از تفاسیر روایی و حدیثی متقدم شیعه امامیه

۱. پژوهش‌گر مطالعات اسلامی، کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، کارشناسی ارشد فلسفه غرب، دانشگاه مفید (kazemostadi@gmail.com).

محسوب می‌شود؛ که در آن، بسیاری از آیات، تأویل شده و غالب تأویل‌ها نیز درباره معجزات پیامبر ﷺ و امامان شیعه علیهم‌السلام، و به نوعی مباحث امامت و ولایت است. متن موجود تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ناقص و به نوعی درهم‌آمیخته است^۱ و فقط تا پایان آیه ۲۸۲ سوره بقره را شامل است؛ و حدود ۳۷۹ روایت در آن شماره‌گذاری شده است.^۲

از گذشته تا کنون، نظرات متضادی درباره این تفسیر بیان شده است. عده‌ای کتاب را مخدوش و موضوع می‌دانند، و به آن تصریح یا اشاره نموده‌اند؛ همانند: ۱. ابن غضائری (ح ۴ق)، ۲. علامه حلی (م ۷۲۶ق)، ۳. استرآبادی، صاحب منهج المقال (م ۱۰۲۸ق)، ۴. محقق داماد (م ۱۰۴۱ق)، ۵. قهپانی، صاحب مجمع الرجال (ز ۱۰۱۱ق)، ۶. تفرشی، صاحب نقد الرجال (ز ۱۰۴۴ق)، ۷. اردبیلی، صاحب جامع الرواة (م ۱۱۰۱ق)، ۸. محمد هاشم خوانساری (م ۱۳۱۸ق)، ۹. محمد جواد بلاغی (م ۱۳۵۲ق)، ۱۰. ابوالحسن شعرانی (م ۱۳۹۳ق)، ۱۱. محمد تقی شوشتری (م ۱۴۱۶ق)، ۱۲. محقق خویی (م ۱۴۱۳ق). عده‌ای نیز کتاب را به تصریح یا اشاره، معتبر دانسته‌اند؛ همانند: ۱. محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۰ق)، ۲. حر عاملی (م ۱۱۰۴ق)، ۳. هاشم بحرانی (م ۱۱۰۹ق)، ۴. محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۰ق)، ۵. سلیمان بحرانی (م ۱۱۲۱ق)، ۶. محمدجعفر خراسانی (ز ۱۱۵۱ق)، ۷. وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ق)، ۸. مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱ق)، ۹. محمد تقی مامقانی تبریزی، صاحب صحیفه الابرار (م ۱۳۱۲ق)، ۱۰. محدث نوری (م ۱۳۲۰ق)، ۱۱. محمدطه صاحب اتقان المقال (م ۱۳۲۳ق)، ۱۲. عبدالله مامقانی (م ۱۳۵۱ق).^۳

حتی عده‌ای از اندیشمندان در انتساب کتاب تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام استبعاد نموده‌اند.^۴ و برخی گفته‌اند: کسی که در این تفسیر نظر بیندازد، هیچ شکی در جعلی بودن آن نمی‌کند. مقام یک عالم محقق بالاتر از این است که چنین تفسیری بنویسد؛ تا چه رسد به این که امام، این سخنان را گفته باشد.^۵

طرح مسأله

با توجه به مناقشات درباره تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام و مخصوصاً ایراد اشکال به

۱. رک: کهن‌ترین نسخه خطی تفسیر عسکری، ص ۲۵.

۲. رک: تفسیر عسکری، سراسر متن.

۳. رک: بحثی درباره تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: سراسر متن.

۴. به عنوان نمونه رک: آلاء الرحمن، ج ۱، ص ۴۹؛ الاخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۵۲-۲۲۸؛ پژوهش‌های قرآنی علامه، ج ۱، ص ۵۸۰.

۵. رک: معجم رجال الحديث، ج ۱۳، ص ۱۵۷.

انتساب تفسیر به امامین عسکریین علیهما السلام، این مسأله به وجود می‌آید که: اصالت کتاب تفسیر عسکری چگونه است؟ اعتبار این کتاب در چه وضعیتی قرار دارد؟ آیا دلایلی در عدم انتساب یا انتساب تفسیر به امامین عسکریین علیهما السلام قابل طرح هستند؟ پژوهش حاضر، با توجه به مناقشات انتساب کتاب به امام حسن عسکری علیه السلام، به صورت اختصاصی، طی مقدماتی به اعتبارسنجی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام می‌پردازد؛ و مجموع دلایل عدم انتساب تفسیر به امامین عسکری علیهما السلام را از ابعاد مختلف و به صورت تجمیعی نشان می‌دهد که البته برخی از آن‌ها مورد توجه پیشینیان نبوده است.

پیشینه

درباره تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام گفتگوهای اجمالی و اشاراتی انتقادی در برخی از منابع متقدم و متأخر صورت گرفته است.^۱ همچنین، آثار مستقلی درباره این کتاب از دهه‌های اخیر موجودند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: فاطمه هاشمی (۱۳۸۵ش)، بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی؛ شادی نفیسی (۱۳۸۵ش)، «تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام در بررسی علامه شوشتری»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، س ۲، ش ۶؛ مهدی لطفی (۱۳۸۶ش)، «سند تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام»، مطالعات قرآن و حدیث، س ۱، ش ۱ و «ربابه ناظمی و مجید معارف (۱۳۹۷ش)، «تبارشناسی روایات تفسیر العسکری و تأثیر آن بر اعتبارسنجی تفسیر»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۱۲د، ش ۲۳.

۱. سابقه تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام مطالعات فقهی

یکی از راه‌های اعتبارسنجی و استناد سنجی برای آثار، بررسی وضعیت و سابقه آن اثر، در منابع مختلف است. درباره آثار حدیثی، بهترین حوزه جستجو و تأمل، بررسی سابقه اثر در منابع فهرستی و رجالی، و نیز منابع حدیثی است. بنابراین، در دو حوزه به بررسی سابقه تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام می‌پردازیم.

۱-۱. سابقه تفسیر در منابع فهرستی و رجالی

در جستجوی خود و بررسی سابقه تفسیر عسکری، جدای از خود تفسیر، به صورت

۱. به عنوان نمونه رک: شارع النجاة، ص ۱۸۸ - ۱۲۱؛ آلاء الرحمن، ج ۱، ص ۴۹؛ الاخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۵۲ - ۲۲۸؛ پژوهش‌های قرآنی علامه، ج ۱۰، ص ۵۸۰.

ضمنی و جهت دقت بیشتر، مهدی مرعشی راوی اصلی تفسیر در کتاب احتجاج و خود نسخ تفسیر را نیز مد نظر قرار دادیم.

در منابع متقدم رجالی و فهرستی، همانند رجال البرقی (م ۲۸۰ق)، فهرست النجاشی (م ۴۵۰ق)، رجال الکشی، رجال الطوسی و فهرست الطوسی (م ۴۶۰ق) چیزی درباره تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام یافت نشد؛ مگر این که ابن غضائری (ح ۴۵۰ق) در رجال خود، ضمن عنوان «محمد بن القاسم» توجه به تفسیر داشته، و وی را ضعیف و کذاب دانسته است.^۱ همچنین، نجاشی ذیل آثار شیخ صدوق به دو اثر تفسیری، تفسیر القرآن و مختصر تفسیر القرآن، اشاره کرده است^۲ که ممکن است آن‌ها به تفسیر منسوب امام حسن عسکری علیه السلام مرتبط، یا اساساً همانند باشند.

ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) در معالم العلماء، یادکردی از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام و نیز ابوجعفر المرعشی، راوی اصلی تفسیر، ندارد. به نظر می‌رسد که اگر کتاب تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام و الاحتجاج با اسناد موجود از ابوجعفر، در نزد ابن شهر آشوب بود، نام ابوجعفر الحسینی المرعشی را به عنوان راوی اصلی این دو کتاب، در معالم العلماء درج می‌نمود؛ همان‌گونه که تفسیر امام علی الهادی عسکری علیه السلام از الحسن بن خالد برقی (ز ۲۵۴ق) را عنوان نموده است.^۳ همچنین قابل توجه است که نام ابوجعفر المرعشی، به عنوان راوی اصلی کتاب تفسیر و نیز به عنوان استادِ استادِ فرضی ابن شهر آشوب، در آثار وی موجود نیست. فقط در ابتدای کتاب المناقب، آنجا که ابن شهر آشوب اسناد و طرق کتابش را ذکر می‌کند، دو بار نام‌هایی می‌آید که مترادف با نام ابوجعفر الحسینی هستند.^۴

در فهرست منتجب الدین رازی (ح ۶۰۰ق) و رجال ابن داوود (م بعد ۷۰۷ق)، مطلبی درباره تفسیر عسکری علیه السلام نیافتیم. همچنین، رازی با این که بیش از بیست نفر از خاندان مرعشی را در فهرست نام برده است،^۵ اما ذکری از ابوجعفر مرعشی به عنوان راوی اصلی تفسیر به میان نیاورده است.

علامه حلی (م ۷۲۶ق) در خلاصة الاقوال، توجه به تفسیر منسوب داشته و اسناد ابتدایی

۱. رجال ابن غضائری، ص ۹۸.

۲. رجال النجاشی، ص ۳۹۱ و ۳۹۲.

۳. معالم العلماء، ص ۷۰.

۴. همان، ص ۱۰ و ۱۱.

۵. رک: فهرست منتجب الدین، سراسر متن.

آن را نقل نموده است و همان نظر ابن غضائری، درباره موضوع بودن کتاب را آورده است.^۱ در منهج المقال استرآبادی (م ۱۰۲۸ق)، نقد الرجال تفرشی (ز ۰۴۴ق) و الفوائد الرجالية بحر العلوم (م ۱۲۱۲ق)، گزارشی از کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، و نامی از ابوجعفر المرعشی به عنوان راوی اصلی این کتاب نیافتیم؛ مگر انتقاد به ضعف راوی دیگر اسناد تفسیر و موضوع بودن این کتاب، که به نقل از حلی از ابن غضائری درج شده است. قهپانی (ز ۱۰۱۱ق) در مجمع الرجال نیز، نامی از ابوجعفر المرعشی نبرده است، ولی توجه به تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام داشته و اسناد ابتدایی آن را مشابه علامه حلی، نقل نموده است؛ و نقد علامه حلی از ابن غضائری را نیز بیان کرده است.^۲

از اردبیلی (م ۱۱۰۱ق) در جامع الرواة، گزارشی از کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، نیافتیم، مگر نقد حلی از ابن غضائری، که به نقل از استرآبادی درج نموده است. همچنین، ضمن ذکر عنوان «ابومحمد العلوی» از ابوجعفر مهدی بن ابی حرب الحسنی راوی این کتاب، به مناسبت کتاب الاحتجاج نام برده است.^۳

حر عاملی (م ۱۱۰۴ق) در کتاب رجالی خود، یعنی أمل الآمل، از متن تفسیر استفاده کرده است، ولی درباره آن سخنی نگفته است. همچنین، از ابوجعفر المرعشی، با عنوان راوی الاحتجاج و غیره نام برده است.^۴

افندی (م ۱۱۳۰ق) در ریاض العلماء، نیز همان مطالب حر عاملی را تکرار کرده است و دو بار از این تفسیر، در کتاب خود نام برده است.^۵

مامقانی (م ۱۳۵۱ق) در تنقیح المقال، ذیل عنوان «الحسن بن زید بن محمد» یکی از دو سند تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام را درج نموده که در این سند، نام «أبی جعفر مهتدی بن حارث الحسینی المرعشی» نیز وجود دارد. همچنین، ذیل عنوان «أحمد الطبرسی» نقل ابن شهر آشوب در معالم و شیخ حر عاملی در أمل الآمل را درج نموده؛ و به همین مناسبت، نام مهدی مرعشی را نیز تکرار نموده است.^۶

۱. خلاصة الاقوال، ص ۴۰۴.

۲. مجمع الرجال، ج ۶، ص ۲۵.

۳. جامع اردبیلی، ج ۲، ص ۱۸۴ و ۴۱۴.

۴. أمل الآمل، ج ۱، ص ۹ و ج ۲، ص ۳۲۷.

۵. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۶ و ۳۹۵ و ج ۵، ص ۲۲۱.

۶. تنقیح المقال، ج ۶، ص ۳۳۶ و ج ۱۹، ص ۲۳۶.

سید محسن امین (م ۱۳۷۱ق) در اعیان الشیعة نیز، مطلب خاصی درباره تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام ندارد. وی در جایی به نقل از بحار، تفسیر را نام برده است و در ضمن معرفی مؤلفات الشیخ جواد البلاغی (م ۱۳۵۲ق)، نوشته:

رسالة في التکذیب لرواية التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری و کذب نسبتہ الیه.

همچنین، ابوجعفر مرعشی را بدون استناد یا شناخت لازم، تکریم نموده است.^۱ خوبی (م ۱۴۱۳ق) در معجم رجال الحديث، درباره تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام گزارش یا مطلبی ندارد. تنها در عنوان «علی بن محمد بن سیار» درباره تفسیر عسکری علیه السلام این گونه نظر داده است:

هذا مع أن الناظر في هذا التفسیر لا يشک في أنه موضوع، و جل مقام عالم محقق أن يكتب مثل هذا التفسیر، فكيف بالإمام عليه السلام.

همچنین، در برخی موارد دیگر نیز، استناد به متن این کتاب داده است و عنوان ابوجعفر المرعشی را به نقل از شیخ حر عاملی نقل نموده است.^۲ علامه تستری (م ۱۴۱۶ق) جدای از کتاب الاخبار الدخيلة،^۳ در چند جای قاموس الرجال، تأکید به موضوع بودن کتاب دارد؛ همانند

وأما خبر التفسیر و الخبر الأخير و هو أيضاً من التفسیر فالتفسیر المذكور کله منکرو افتری علی العسکری عليه السلام كما حَقَّقناه في کتابنا في الموضوعات.^۴

۱ - ۲. سابقه تفسیر در منابع حدیثی

طبق اسناد و منابع موجود، اولین کسی که از روایات تفسیر عسکری استفاده و نقل نموده است، شیخ صدوق است؛ و ظاهراً بقیه افرادی نیز که این دست روایات تفسیر را نقل نموده‌اند، از آثار صدوق استفاده نموده‌اند؛ مگر کسانی که پس از قرن ششم دسترسی به متن کنونی تفسیر یافته‌اند؛ همانند صاحب الاحتجاج. البته برخی از روایات شیخ صدوق، در کتاب کنونی تفسیر عسکری موجود نیست.

۱. اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۴۱ و ج ۴، ص ۲۵۶ و ج ۱۰، ص ۱۴۳.

۲. معجم رجال، ج ۲، ص ۱۶۴ و ج ۵، ص ۳۲۵ و ج ۹، ص ۹۵ و ج ۱۳، ص ۱۵۷ و ۲۷۰ و ج ۱۸، ص ۱۶۳.

۳. الاخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۵۲ و ۲۲۸.

۴. قاموس الرجال، ج ۲، ص ۴۶۷؛ ج ۶، ص ۱۹؛ ج ۷، ص ۲۳۶؛ ج ۸، ص ۵۴۱؛ ج ۱۰، ص ۱۵.

روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام در آثار صدوق، شامل هشت عنوان کتاب صدوق هستند: یک. عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ با حدود هفده روایت.^۱ دو. معانی الاخبار؛ با حدود نه روایت.^۲ سه. الامالی؛ با حدود شش روایت.^۳ چهار. علل الشرایع؛ با حدود سه روایت.^۴ پنج. التوحید؛ با حدود سه روایت.^۵ شش. الخصال؛ با یک روایت.^۶ هفت. من لایحضره الفقیه؛ با یک روایت.^۷ هشت. صفات الشیعة؛ با یک روایت.^۸

۱ - ۳. تفسیر کنونی، نزد شیخ صدوق نبوده است

نکته مهمی که درباره تفسیر عسکری و شیخ صدوق قابل طرح است، این است که به نظر می‌رسد تفسیر کنونی عسکری، نزد شیخ صدوق نبوده است. به عبارت دیگر، با توجه به جمع‌بندی تمامی اسناد تفسیر در آثار صدوق، و قراین و شواهد جنبی، و از همه مهم‌تر عدم نقل دیگر روایات تفسیر عسکری در آثار صدوق، به نظر می‌رسد که وی کتاب تفسیر را به صورت مستقیم در اختیار نداشته است؛ حتی تمامی روایات و احادیث کتاب را در طرق افراد دیگری ندیده و نشنیده است؛ به این معنا که شیخ صدوق، تنها به تعداد اندکی (یعنی حدود سی روایت) از روایات تفسیر عسکری، به واسطه مفسر استرآبادی و دیگران، دسترسی پیدا نموده است که تنها همان روایت‌ها را در آثار خود منعکس نموده است. در این باره، شواهد و قراینی را می‌توان ارائه نمود که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: الف. عدم تطبیق کامل روایات صدوق و تفسیر کنونی. ب. عدم استفاده روایات تفسیر در آثار مرتبط صدوق و دیگران، همانند ابن شهر آشوب و صاحب دلائل الامامة.^۹

بنابراین، به نظر می‌رسد که سند شیخ صدوق بر نسخه تفسیر عسکری، احتمالاً جعلی یا تعویضی است؛ به این معنا که وقتی در دوره‌ای، نسخه خطی تفسیر پیدا شده که البته اسناد نداشته است، در نسخه برداری‌های بعدی، اسناد روایات شیخ صدوق از تفسیر عسکری، بر آن نسخه‌های خطی نگارش شده است و نسخه خطی، دارای اسناد شده است.

۱. عیون، ج ۱، ص ۱۳۷، ۲۵۴، ۲۶۶، ۲۷۴، ۲۸۲، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۱۲ و ج ۲، ص ۲، ۱۲، ۵۲ و ۱۶۷.

۲. معانی الاخبار، ص ۴، ۲۴، ۳۳، ۳۶، ۲۸۷ (دوتا)، ۲۸۸، ۲۸۹ و ۳۳۹.

۳. الامالی، ص ۱۱، ۴۰، ۱۱۰، ۱۷۴، ۱۷۵ و ۳۵۸.

۴. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۴۰ و ۲۹۸، ج ۲، ص ۴۱۶.

۵. التوحید، ص ۴۷، ۲۳۰ و ۴۰۳.

۶. خصال، ج ۲، ص ۴۸۴.

۷. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۷.

۸. صفات الشیعة، ص ۴۵.

۹. رک: گزارش شکلی اسناد تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، سراسر متن.

۲. اطلاع ما از کتاب تفسیر عسکری

جدای از روایات شیخ صدوق، که به اصل وجود «کتاب تفسیر عسکری» اشاره‌ای ندارد و صدوق تنها احادیثی را در آثار خود نقل نموده، که از اسناد آن‌ها، می‌توان به ارتباط این احادیث با تفسیر عسکری پی برد. اکنون ما به واسطه منابع امامیه، از دو طریق، نسبت به عنوان و کتاب تفسیر عسکری، اطلاعی در دست داریم:

۲-۱. اطلاع ما از تفسیر عسکری، به نقل ابن شهر آشوب

پیش‌تر گفتیم که ابن شهر آشوب کتاب تفسیر عسکری که اکنون در دست ماست را ندیده است؛ و تنها چند روایت اندک از آن به نقل از دیگران در اثر خود استفاده نموده است. ابن شهر آشوب در معالم العلماء در عنوان حسن بن خالد برقی (ز ۲۵۴ق) نوشته است:

[الحسن] ابن خالد البرقی: اخو محمد بن خالد. من کتبه: تفسیر العسکری من املاء الامام علیه السلام مائة وعشرون مجلدة.^۱

آقابزرگ تهرانی در الذریعة، پس از ذکر این تفسیر در مؤلفات امام علیه السلام نوشته:

چون ابن شهر آشوب هنگام شرح حال حسن بن خالد تفسیر عسکری را به صورت مطلق بدون قید ذکر نموده؛ ظاهر امر مراد از «العسکری» امام هادی علیه السلام باشد، که ملقب به «بصاحب العسکر» و «العسکری» بوده است.^۲

اکنون تفسیر منسوب به خالد و مذکور در معالم، در دسترس نیست و ما به قطع نمی‌دانیم که آیا واقعاً تفسیر مستقلی بوده است یا همان تفسیر عسکری کنونی است که خالد، فقط ناقل آن بوده است؟ هر چند که مقدار اندکی از روایات وی (حدود نه روایت) با عنوان «حسن یا حسین بن خالد» در تفسیر القمی آمده است.^۳ از قضا، این چند موردی که از تفسیر حسن بن خالد برقی در تفسیر القمی آمده است؛ جزو مواردی از آیات قرآن هستند که اکنون در تفسیر عسکری موجود، افتادگی دارد.^۴

۱. معالم العلماء، ص ۷۰.

۲. الذریعة، ج ۴، ص ۲۸۳.

۳. تفسیر القمی، با عنوان «حسین بن خالد»، ج ۱، ص ۲۷، ۸۴، ج ۲ ص ۱۹۳، ۳۲۸، ۳۴۳، ۳۹۰، ۴۰۱؛ با عنوان «حسن بن خالد»، ج ۱، ص ۱۲۹ و ۲۴۸.

۴. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۸۲، سوره بقره و ج ۱، ص ۱۲۹، سوره آل عمران و ج ۱، ص ۱۹۳، سوره انعام و ج ۱، ص ۲۴۸، سوره اعراف و ج ۲، ص ۳۲۸، سوره ذاریات و ج ۲، ص ۳۴۳، سوره رحمان و ج ۲، ص ۳۹۰، سوره جن و ج ۲، ص ۴۰۱، سوره نبأ.

اما سه نکته، می‌تواند به نوعی گویای این همانی این تفسیرها باشد؛ که عبارت‌اند از: ۱. مشابهت موضوعی تفاسیر و احادیث. ۲. یکصد و بیست جلد بودن تفسیر. ۳. از بین رفتن تفسیر منسوب به حسن بن خالد.^۱

۲ - ۲. اطلاع ما از تفسیر عسکری، به نقل از ابن غضائری ابن غضائری (ح ۴۵۰ق) در رجال خود نوشته:

المفسر الأسترآبادی. روی عنه أبو جعفر ابن بابویه. ضعيف، كذاب. روی عنه تفسیرا بیرویه
عن رجلین مجهولین: أحدهما يعرف بیوسف بن محمد بن زیاد، والآخر: علی بن محمد بن یسار
عن أبیهما، عن أبی الحسن الثالث علیه السلام. والتفسیر موضوع عن سهل الدیباجی عن أبیه،
بأحادیث من هذه المناکیر.^۲

در سخن ابن غضائری، ممکن است که وی از دو تفسیر، به مناسبت یک مسأله، یاد کرده باشد؛ به این معنا که هم از تفسیر منقول از محمد بن قاسم یاد کرده، و هم از تفسیر منقول از سهل بن دیباج؛ و آن‌ها را (چه یک تفسیر باشند و چه دو تفسیر متفاوت) از نظر «موضوع بودن»، یکسان دانسته است. به عبارت دیگر، جمله این غضائری می‌تواند باشد: تفسیر منقول از استرآبادی موضوع است؛ همان گونه که تفسیر منقول از دیباجی موضوع است؛ و در این جا «والتفسیر موضوع عن سهل الدیباجی»، کلمه «کما عن» از جمله ابن غضائری، افتادگی در نسخه برداری پیدا نموده است؛ و نوشته شده «عن». همان‌گون که علامه تستری نیز، به این احتمال افتادگی، اشاره نموده است.^۳

۳. احتمالات دسترسی، انتقال و ایجاد سند تفسیر عسکری

با توجه مطالبی که گذشت، در اینجا چند احتمال درباره دسترسی، انتقال و ایجاد سند تفسیر عسکری می‌توان مطرح نمود:

۳ - ۱. احتمالات، انتقال تفسیر عسکری

محتمل است که تفسیر منسوب به امام حسن عسکری یا همان تفسیر حسن بن علی اطروش،^۴ از دو یا چند طریق به نسل‌های بعدی شیعه امامیه منتقل شده باشد:

۱. رک: گزارش شکلی اسناد تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، سراسر متن.

۲. رجال ابن غضائری، ص ۹۸.

۳. الاخبار الدخیلة، ج ۱، ص ۲۱۵.

۴. رک: بازشناسی مؤلف تفسیر منسوب به عسکری، سراسر متن.

یک. از طریق سهل دیباجی (م ۳۸۰ق) از پدرش (م ح ۳۴۰ق) از عسکری (چه ناصر اطروش م ۳۰۴ق باشد؛ چه امامین عسکریین)؛ که همین تفسیر موجود و منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است.

دو. از طریق محمد بن قاسم استرآبادی از یوسف بن زیاد و علی بن سیار از عسکری، چه ناصر اطروش (م ۳۰۴ق) باشد؛ چه امامین عسکریین؛ که مقدار اندکی از روایات آن، توسط شیخ صدوق به نقل از محمد بن قاسم مفسر، در برخی از آثارش آمده است (که پیش تر گذشت)؛ و بخش بیشتری از آن، همین تفسیر کنونی منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است.

سه. از طریق حسن بن خالد از عسکری، چه ناصر اطروش (م ۳۰۴ق) باشد؛ چه امامین عسکریین؛ البته با توجه به این که دوران حیات حسن بن خالد با نویسنده اصلی تفسیر عسکری هماهنگ باشد.

۲-۳. مراحل دسترسی امامیه به تفسیر عسکری

طبق گزارش‌ها و اسناد منابع امامیه، که پیش‌تر بیان شد؛ چند مرحله برای دسترسی امامیه به تفسیر عسکری، می‌توان در نظر گرفت:

۳-۲-۱. مرحله اول. خالد برقی، سهل دیباجی و مفسر استرآبادی

چون مشخص شده که صاحب تفسیر عسکری، حسن بن علی عسکری اطروش (م ۳۰۴ق)، حاکم زیدی طبرستان است.^۱ طبق سند ابتدای خود کتاب تفسیر،^۲ مفسر استرآبادی (م ح ۳۵۰ق)، از طریق یوسف و علی (م ح ۳۲۵ق)، شاگردان مستقیم اطروش که تفسیر را از زبان حسن اطروش تقریر نموده‌اند، به تفسیر عسکری دسترسی پیدا نموده است. اگر تفسیر مورد اشاره از خالد برقی (ز ۲۵۴ق) در مناقب شهر آشوب و نیز آنچه ابن غضائری درباره سهل دیباجی (م ح ۳۸۰ق) گفته است نیز، با تفسیر منقول مفسر استرآبادی، «این همان» باشد، به این معنا است که تفسیر عسکری اطروش زیدی مذهب، در همان دوره خود اطروش، به میان برخی از علمای امامیه راه یافته است. این وضعیت، مشروط بر آن است که این افراد، امامی مذهب بودنشان اثبات شود؛ چرا که اکنون دقیق روشن نیست که مذهب ایشان چه بوده است.

۱. رک: بازشناسی مؤلف تفسیر منسوب به عسکری، سراسر متن.

۲. رک: تفسیر عسکری، ص ۱۱.

۲-۲-۳. مرحله دوم. دسترسی جزئی صدوق با واسطه مفسر استرآبادی و پسر اطروش

طبق اسناد روایات شیخ صدوق، روشن است که وی به برخی از روایات تفسیر عسکری دسترسی داشته است که توضیح آن، پیش‌تر گذشت. بنابراین، اگر امامی بودن خالد برقی، مفسر استرآبادی و سهل دیباجی ثابت باشد، این دومین مرحله دسترسی علمای امامیه به تفسیر اطروش است؛ اما اگر مذهب ایشان، امامی نباشد، طبق منابع و اسناد موجود، اولین مرحله ورود روایات تفسیر عسکری به منابع امامیه، همین استفاده شیخ صدوق از برخی روایات تفسیر عسکری است.

۳-۲-۳. مرحله سوم. بی‌توجهی به نسخه تفسیر از قرن چهارم تا ششم

با توجه به منابع موجود، جدای از شیخ صدوق، دیگر علمای امامی از قرن چهارم تا ششم به صورت مستقیم از تفسیر عسکری، استفاده ننموده‌اند. این وضعیت شاید به این دلیل است که تفسیر عسکری در دسترس علمای امامیه قرار نداشته است؛ زیرا این تفسیر جزء منابع و میراث زیدیه طبرستان محسوب می‌شده است.

از طرف دیگر، اگر هم تفسیر عسکری در طول این سه قرن در دسترس علمای امامیه بوده است، عدم استفاده از آن، گویای آن می‌تواند باشد که این کتاب، مورد بی‌توجهی علما امامیه قرار داشته است؛ شاید نقد ابن غضائری و مانند او، در این بی‌توجهی، مؤثر بوده است. در هر صورت، این سه قرن، دوران رکود و عدم استفاده و بی‌توجهی یا در دسترس نبودن تفسیر عسکری را نشان می‌دهد. تذکر صاحب احتجاج^۱ در مشهور نبودن تفسیر عسکری نیز، گویای همین مطلب است؛ که بعداً درباره آن سخن خواهیم گفت.

۴-۲-۳. مرحله چهارم. نشر بخش‌های از کتاب به صورت کنونی از قرن ششم

قرن ششم، دوران آغاز نسخه‌برداری و ظهور نسخ خطی تفسیر عسکری است. در همین قرن، روایات تفسیر عسکری به صورت گسترده در کتاب احتجاج به کار برده می‌شود. پس از آن نیز، نسخه‌های کتاب در دسترس علمای امامیه قرار می‌گیرد؛ و با وجود مناقشات فرقه‌ای میان شیعیان و اهل سنت در قرن ششم به بعد، این کتاب مورد توجه برخی از علمای غیر طراز اول امامیه یا اخباری، قرار می‌گیرد؛ و از این پس، به صورت قابل توجهی، در برخی از منابع امامیه با گرایش‌های «ولایی، فضائلی و مطاعنی» مورد استفاده قرار می‌گیرد. طبق آمار

۱. الاحتجاج، نسخه خطی، ص ۹ و ۱۰.

فهرستگان نسخه‌های خطی ایران، حدود نود و پنج نسخه خطی از تفسیر منسوب، شناسایی شده است؛ که جدای حدود پانزده نسخه بدون تاریخ کتابت، بقیه نسخه‌ها، تاریخ‌هایی میان ۸۰۸ق، تا ۱۲۶۸ق، دارند.^۱

۳-۳. احتمالات تغییرات سندی تفسیر عسکری

بنابراینچه بیان شد، می‌توان جهت تبیین برخی تغییرات سندی، یا سندسازی، یا تصحیح اسناد، چند احتمال مطرح نمود:

۱. نسخ خطی اولیه تفسیر کنونی، فقط اسناد تا قبل از شیخ صدوق و داستان اولیه را داشته است؛ و اسناد تا شیخ صدوق نداشته و بعداً این اسناد از طرق برخی از آثار شیخ صدوق به اسناد نسخه خطی تفسیر اضافه شده‌اند.

۲. اسناد سهل دیباجی از ابتدای نسخ کهنه تفسیر از بین رفته؛ و در نسخه برداری‌های بعدی، اسناد موجود در آثار شیخ صدوق را اخذ و استفاده نموده‌اند، و به جای سند ابتدای نسخه تفسیر، نوشته و نسخه برداری کرده‌اند.

۳. طبق یکی از سندهای تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام بر نسخه‌های خطی، محمد دقاق، تفسیر را از ابن رازی، یعنی جعفر قمی و نیز ابن شاذان قمی نقل نموده است. از سوی دیگر، جعفر قمی در آثار خود اسامی جمعی از شیوخ خود را در سلسله اسناد آورده که از آن جمله می‌توان از سهل بن احمد دیباجی، یاد کرد.^۲ همچنین، ابن شاذان قمی روایاتی از سهل بن احمد دیباجی دارد؛ همانند: «الشیخ الفقیه ابن شاذان رحمه الله قال حدثنا سهل بن أحمد عن أحمد بن أحمد بن عبد الله الديباجی».^۳

بنابراین، ممکن است برخی افراد در نسخه برداری از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام به دلایلی همچون همان مطلب ابن غضائری درباره سهل دیباجی، سند تفسیر را تعویض یا به زعم خودشان، تصحیح نموده باشند؛ یعنی، سند دقاق از جعفر قمی از سهل دیباجی را، با سند شیخ روایات صدوق از مفسر استرآبادی، ترکیب نموده و نام سهل دیباجی را از این میان سند تفسیر عسکری، حذف نموده‌اند. این احتمال، با وضعیت اسناد دیگر تفسیر از شاذان، هم خوانی دارد؛ چون در آن اسناد، میان پدر دوریستی و شیخ صدوق،

۱. رک: فهرستگان نسخه‌های خطی ایران، ج ۸، ص ۶۶۰.

۲. رک: جامع الاحادیث، «المسلسلات»، ص ۱۰۸.

۳. رک: کنز الفوائد، ص ۶۳ و ۱۵۱.

راویانی وجود ندارد. این افتادگی، شاید سرنخی از همین حذف راویان، و تعویض و ترکیب اسناد از سهل دیباجی به شیخ صدوق باشد.

۴. وضعیت نسخ خطی تفسیر عسکری

برای این که یک اثر را غیر اصیل بدانیم، عوامل متعددی را می توان مطرح کرد؛ که در هر اثری، ممکن است به صورت متفاوت، پشتیبانی کننده عدم اصالت اثر باشد. در این جا، چون اجمالاً و به عنوان یک مقدمه فرعی، به اصالت تفسیر پرداخته خواهد شد؛ چند نمونه از دلایلی که عدم اصالت تفسیر را نشان می دهد، ذکر می کنیم.

۴-۱. کتاب تفسیر عسکری نسخه قدیمی ندارد

گفته شد که طبق آمار فهرست فخرنا، حدود نود و پنج نسخه خطی از تفسیر شناسایی شده است؛ که تاریخ‌هایی میان ۸۰۸ ق، تا ۱۲۶۸ ق، دارند. اما کهن‌ترین نسخه تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام را می توان در دو وضعیت مورد تأمل قرار داد:

۴-۱-۱. قدیمی‌ترین نسخه‌های مستقل

قدیمی‌ترین نسخه مستقل (با فرض غیر مخدوش بودن تاریخ کتابت آن)، نسخه خطی دانشگاه تهران (شماره ۶۴۱۴)، به تاریخ ۸۰۸ قمری است. این نسخه، دو خطی و ترمیمی است؛ و مشخص است که نسخه از ابتدای خود افتادگی داشته است؛ و در ۱۶ برگ اول، به صورت حرفه‌ای، ترمیم شده است. نکته بسیار مهم در اصالت تاریخی نسخه، وضعیت تاریخ کتابت نسخه است؛ که با توجه به رنگ جوهر و نیز فرم خط، نونویس است و در زمان ترمیم نسخه درج شده است؛ یعنی خط تاریخ کتابت، با خط متن ۱۶ برگ اول، هماهنگی دارد. همچنین، از نظر چینش نوشته کاتب در جاسازی داخل متن نسخه، و سفیدی اندکی که در انتهای عنوان کاتب وجود دارد و شسته شده است؛ به نظر می رسد که نام کاتب و تاریخ کتابت، مخدوش و نونویس باشند؛ اما در هر صورت با توجه به متن اصلی نسخه، نسخه متعلق به قرن هشتم یا نهم است. بنابراین، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام تاکنون، نسخه‌ای قدیمی‌تر از قرن نهم ندارد؛ و نسخه‌های اندک اولیه آن، در قرن یازدهم و دوازدهم، به سرعت رو به افزایش یافته‌اند؛ و کثرت نسخه‌ای این کتاب، همگی متأخر محسوب می شوند.^۱

۱. رک: کهن‌ترین نسخه خطی تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، سراسر متن.

۴-۱-۲. قدیمی ترین نسخه غیرمستقل

کتاب موسوم به احتجاج که منسوب به ابومنصور طبرسی شده است، قدیمی ترین نسخه غیرمستقل شناخته شده‌ای است که بخش قابل توجهی از کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام را در خود دارد؛ یعنی از اول کتاب تفسیر تا خطبه غدیر (حدود ۱۳۰ ص) و برخی روایات دیگر. به عبارت دیگر، حدود ۴۰ روایت از ۳۶۳ روایت کتاب احتجاج، از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است.^۱ اکنون، قدیمی ترین نسخه خطی کتاب موسوم به احتجاج، نسخه خطی کتابخانه حوزه علمیه اردکان به شماره ۱۷۷ با تاریخ ۷۳۶ قمری است.^۲ بنابراین، قدیمی ترین نسخه غیرمستقل از تفسیر عسکری که حدود چهل روایت از ۳۶۳ روایت موجود آن را در بردارد، نسخه خطی کتاب احتجاج است.^۳

۴-۲. کتاب تفسیر، نسخه یکپارچه نداشته است

متن نسخه موجود از تفسیر، فقط شامل سوره فاتحه و سوره بقره تا پایان آیه ۲۸۲ است؛ و حدود ۳۷۹ روایت غالباً بلند، در آن شماره گذاری شده‌اند؛ البته بخشی‌هایی از آیات نیز در این میان نیامده‌اند.

در متن تفسیر، مواردی وجود دارد که نشان می‌دهد که نسخه بردار اولیه، بخش‌های از جزوات تفسیر را یافته است؛ و امیدوار بوده است تا بخش‌های مفقود دیگر تفسیر را نیز بیابد و به جمع جزوات تفسیر اضافه نماید.^۴

تفسیر یک جلدی کنونی که شامل آیات حمد تا ۲۸۳ سوره بقره است؛ در واقع شامل مجلداتی نازک‌تری بوده است که طبق قراین، مطابق با تقسیم‌بندی احزاب قرآن کریم است. اما در این میان، بخشی از این مجلدات در دسترس نسخه بردار اولیه قرار گرفته است که چون برخی از این جزوات کامل نبوده و برخی برگ برگ شده بوده‌اند، نسخه برداری که آن را مجموع نموده، دقت لازم را در ترتیب مطالب از خود به خرج نداده، و این تجمیع، شامل ترتیب کامل و درست آیات قرآن نیست. به این معنی که برخی مجلدات، پس و پیش در کناره هم قرار گرفته‌اند و تجمیع و نسخه برداری شده‌اند.^۵

۱. رک: الاحتجاج، ص ۱۵ به بعد.

۲. رک: الاحتجاج، نسخه خطی، ص ۵.

۳. رک: کهن ترین نسخه خطی تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، سراسرمتن.

۴. الاحتجاج، ص ۵۶۸، ۵۶۹، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۳۶.

۵. رک: کهن ترین نسخه خطی تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، سراسرمتن.

۵. وضعیت رجال و اسناد تفسیر

در سه جنبه می‌توان به اسناد تفسیر عسکری توجه و تأمل نمود؛ یک، از نظر ارسال نسخه‌ای؛ دو، از نظر افتادگی و ارسال داخلی اسناد تفسیر؛ سه، از نظر وضعیت رجالی راویان اسناد تفسیر.

۵ - ۱. ارسال طویل نسخ خطی تا راویان

تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام در هر دو نوع سند نسخه خطی خود، فاصله زمانی میان نسخ خطی و راویان اسناد وجود دارد؛ که به صورت مجزا، ذکر می‌شود:

۵-۱-۱. اسناد نسخ خطی تفسیر

این اسناد همان طور که قبلاً اشاره شد، دو نوع و هر دو از ناقل و راوی اولیه ناشناس هستند. سند دقاق، راوی ناشناس اش اگر مستقیم از محمد دقاق (ح ۴۲۵ق) نقل نموده باشد، احتمالاً متوفی حدود سال ۴۵۰ق، بوده است؛ بنابراین، فاصله وی، با قدیمی‌ترین نسخه خطی تفسیر که مربوط به سال ۸۰۸ق است و سند وی را نیز دارا است، حدود ۳۵۰ سال می‌شود. همچنین، سند شاذان، راوی ناشناس اش اگر مستقیم از شاذان بن جبرئیل (م ۵۹۰ تا ۶۰۰ق) نقل نموده باشد، احتمالاً متوفی حدود سال ۶۲۰ق، بوده است. بنابراین فاصله وی، با قدیمی‌ترین نسخه خطی تفسیر که مربوط به سال ۸۰۸ق، است و سند وی را نیز دارا است، حدود ۱۹۰ سال می‌شود. بنابراین، نسخ خطی تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام در بهترین حالت خود در این اسناد، حدود دویست سال فاصله زمانی بدون راوی، تا راوی نهایی اسناد نسخه دارند.

۵-۱-۲. اسناد تفسیر در احتجاج

این اسناد، که در کتاب احتجاج و برای حدود چهل روایت از روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام هستند، با توجه به این که مؤلف کتاب موسوم به احتجاج گمنام است؛^۱ دو صورت پیدا می‌کند: ۱. اگر راوی مؤلف ناشناس احتجاج روایات را مستقیم از مهدی مرعشی (م ۵۳۹ق) نقل نموده باشد؛ احتمالاً وی متوفی ۵۷۰ق، است. بنابراین با توجه به قدیمی‌ترین نسخه خطی احتجاج که به سال ۷۳۶ق، است، فاصله زمانی میان تاریخ کتابت نسخه و راوی روایات تفسیر، حدود ۱۷۰ سال می‌شود. ۲. اگر حتی مؤلف کتاب احتجاج را ابومنصور طبرسی در نظر بگیریم، با توجه به این که حیات وی حدود سال ۵۸۸ق،

۱. رک: بررسی انتساب الاحتجاج به طبرسی، سراسر متن.

است؛ فاصله زمانی میان تاریخ کتابت نسخه (۷۳۶ق) و راوی روایات تفسیر، حدود ۱۵۰ سال می‌شود. بنابراین، حدود ۴۰ روایت از تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام در نسخ خطی احتجاج، در بهترین حالت خود در این اسناد، حدود یکصد و پنجاه سال فاصله زمانی بدون روای تا روای نهایی اسناد نسخه دارند.

۵-۲. اسناد تفسیر مخدوش هستند

گفته شد که اسناد موجود تفسیر عسکری سه گونه است؛ که دو نوع آن که اسناد اصلی نسخ خطی تفسیر محسوب می‌شوند، دو بخش اسنادی دارند؛ اسناد از ابتدا تا شیخ صدوق و اسناد از شیخ صدوق تا عسکری.

۵-۲-۱. وضعیت اسناد از ابتدا تا شیخ صدوق

جدای از ارسال اسناد تا راویان اولیه ناشناس و مجهول در قرن پنج و هفت، این اسناد، دارای افتادگی جلی و خفی هستند؛ که عبارت‌اند از:

۱. در اسناد شاذان بن جبرئیل از نسخ خطی تفسیر، دو افتادگی خفی میانی وجود دارد: یک. میان مهدی مرعشی و جعفر دوریستی، افتادگی خفی وجود دارد. زیرا بنا به تاریخ زندگی مشایخ جعفر دوریستی (۴۵۸ق)، احتمالاً تولد دوریستی حدود سال ۳۸۵ قمری یا پیش از آن بوده است. بر همین مبنی، تاریخ وفاتش نیز، احتمالاً حدود ۴۷۰ قمری یا پیش از آن است. بر این قاعده، دوریستی نمی‌توانسته شیخ و استاد ابو جعفر مرعشی باشد؛ چون وی طبق گفت سمعانی، متولد ۴۶۲ قمری است، و اگر حتی از ۱۵ سالگی تحصیل و اخذ روایت را آغاز نموده باشد (یعنی سال ۴۷۷ قمری)، نمی‌توانسته از جعفر دوریستی اخذ روایت مستقیم نموده باشد؛ مگر این که، جعفر دوریستی را معمر و زنده تا سال ۴۷۷ قمری در نظر بگیریم. از سوی دیگر، نام دوریستی در میان مشایخی که سمعانی از ابو جعفر ذکر نموده است، قرار ندارد. همچنین در منابع، نام ابو جعفر مرعشی، میان شاگردان دوریستی نیز قرار ندارد؛ و روایات دیگری از منابع شیعه به نقل از آن‌ها، جز همین اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام وجود ندارد.

دو. میان پدر جعفر دوریستی و شیخ صدوق نیز افتادگی خفی وجود دارد؛ زیرا شیخ صدوق متوفی سال ۳۸۱ قمری است، و زمان وفات پدر جعفر دوریستی، بنا به سال حیات جعفر در ۴۷۴ ق، حدود سال‌های ۴۲۵ تا ۴۵۰ ق است. اگر بخواهد پدر جعفر دوریستی به صورت مستقیم از شیخ صدوق نقل روایت کند، لازم می‌آید که حداقل متولد حدود سال‌های ۳۶۰ تا ۳۶۵ ق باشد، که با دوران حیات جعفر دوریستی چندان هماهنگ نخواهد شد؛ مگر این که یا جعفر دوریستی و یا

پدرش را معمر فرض کنیم. اما اگر اسناد را با توجه به اسناد محمد دقاق در نسخ خطی و نیز اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام در کتاب احتجاج، تصحیح و تکمیل کنیم و نام محمد بن احمد شاذان یا جعفر بن احمد قمی را میان شیخ صدوق و پدر دوریستی اضافه کنیم؛ مشکل افتادگی در این بخش اسناد، مرتفع خواهد شد.

۲. در اسناد تفسیر در احتجاج نیز سه افتادگی خفی، قابل طرح است:

یک. اگر ابو منصور طبرسی (زندگانی حدود ۴۸۰ تا ۵۸۰ ق) مؤلف کتاب موسوم به احتجاج باشد، میان طبرسی و مهدی مرعشی، افتادگی قابل فرض نیست؛ ولی چون ابو منصور طبرسی مؤلف کتاب موسوم به احتجاج نیست^۱، و از طرف دیگر سال زندگی مؤلف ناشناس کتاب موسوم به احتجاج معلوم نیست، وضعیت افتادگی در این قسمت اسناد تفسیر نیز نامعلوم می ماند؛ یعنی ممکن است مؤلف احتجاج، با فاصله زمانی، و به صورت وجاده و مانند آن، حدود چهل روایت تفسیر را در کتاب موسوم به احتجاج نقل نموده باشد.

دو. میان مهدی مرعشی و جعفر دوریستی در اسناد احتجاج، همانند اسناد تفسیر افتادگی قابل فرض است؛ که توضیح آن پیش تر بیان شد.

سه. در اسناد احتجاج، نام پدر جعفر دوریستی، میان جعفر دوریستی و جعفر بن احمد، نیامده است، که طبق این اسناد، سند افتادگی پیدا می کند؛ مگر این که این سند را با اسناد نسخ خطی تفسیر منسوب به عسکری علیه السلام، تصحیح و تکمیل نماییم.

۳. چون محمد دقاق (یا رفاق) ناشناس و مجهول است و اطلاعاتی از او هم با نام دقاق (و هم با نام رفاق) در منابع یافت نشد، نمی توان قضاوت دقیقی درباره وضعیت افتادگی میان او و راویان بعدی ما قبل شیخ صدوق در این اسناد تفسیر منسوب داشت؛ البته اگر محمد دقاق، فرزند علی دقاق، یعنی محمد بن علی بن محمد بن جعفر بن الدقاق، که شیخ شیخ صدوق است باشد، اسناد میان محمد دقاق و راویان قبل صدوق، ظاهراً بدون افتادگی می شوند.

۲-۲-۵. وضعیت اسناد از شیخ صدوق تا عسکری

دانسته های تاریخی از حکومت علویان طبرستان، نشان می دهد که داستان یوسف و علی، راویان و تقریر کنندگان تفسیر عسکری، میانه سال های ۲۵۳ ق تا ۲۷۰ ق، یعنی حدود سال ۲۶۰ قمری یا پس از آن، رخ داده است. با توجه به این داستان^۲، یوسف و علی در این زمان، نوجوان یا جوان بوده اند؛ که به شاگردی عسکری نشسته اند.

۱. رک: بررسی انتساب الاحتجاج به طبرسی، سراسر متن.

۲. رک: الاحتجاج، ۱۱.

بنابراین، برای دقت در ارسال و افتادگی روایان تفسیر پس از شیخ صدوق تا عسکری، بسیار مهم است که تفسیر عسکری را از چه شخصیتی بدانیم. درباره گوینده و صاحب تفسیر عسکری، سه وضعیت یا دیدگاه، پیش روی ماست:

۱. تفسیر منسوب به امام دهم، یعنی امام هادی علیه السلام، متوفی ۲۵۴ق، است؛ همان طور که برخی همانند ابن غضائری گفته‌اند.^۱

۲. تفسیر منسوب به امام یازدهم، یعنی امام حسن عسکری علیه السلام، متوفی ۲۶۰ق، است؛ همان طور که عده‌ای قابل توجه، می‌گویند.^۲

۳. تفسیر از امام حسن عسکری اطروش، یعنی امام زیدیه، متوفی ۳۰۴ق، است.^۳ اگر تفسیر را از آن امام دهم علیه السلام بدانیم، میان یوسف و علی با امام دهم علیه السلام، ارسال و افتادگی راوی به وجود خواهد آمد؛ مضافاً به این که تاریخ داستان روایان تفسیر (که در ابتدای متن تفسیر آمده) با وفات امام دهم علیه السلام هماهنگ نیست.

اگر تفسیر را از امام یازدهم علیه السلام بدانیم؛ دو حالت مفروض است: یک. داستان روایان تفسیر پس از ۲۶۰ قمری رخ داده باشد؛ در این صورت، همان وضعیت امام دهم که در بالا گفته شد، پیش خواهد آمد. دو. داستان روایان تفسیر پیش از ۲۶۰ قمری، یعنی دقیقاً ۲۵۳ قمری رخ داده باشد، در این صورت، این داستان روایان با زندگانی امام یازدهم و درک حضور ایشان، قابل جمع است. هر چند که امکان درس حضوری یوسف و علی در محضر امام یازدهم علیه السلام مورد مناقشه جدی است.^۴

شاید افرادی این مشکل افتادگی را با واسطه دانستن پدران یوسف و علی، قابل حل بدانند؛ همان طور که برخی اسناد روایات اندک و تصحیف یافته تفسیر در آثار صدوق، به نقل از پدران یوسف و علی، موجوداند؛^۵ ولی این راه حل، با تصریح داستان روایان تفسیر، هماهنگ نیست؛ چرا که در چند جای تفسیر آمده است که یوسف و علی، شاگرد حسن بن علی عسکری و تقریرکننده تفسیر از وی بوده‌اند.^۶

۱. رک: رجال ابن غضائری، ص ۹۸.

۲. رک: بحثی درباره تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، سراسر متن.

۳. رک: بازشناسی مؤلف تفسیر منسوب به عسکری، سراسر متن.

۴. رک: تحلیل داستان‌های روایان تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، سراسر متن.

۵. رک: عیون، ج ۱، ص ۲۶۷.

۶. به عنوان نمونه رک: الاحتجاج، ص ۱۰، ۳۱۶ و ۳۶۳.

۵-۳. اسناد تفسیر، روایان مجهول و مهمل دارد

درباره رجال اسناد کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، جدای از تک‌نگاری‌های موجود در کتب رجال، مقالات و آثاری نیز در این باره منتشر شده است.^۱ خلاصه وضعیت رجال دو بخش اسناد تفسیر عسکری، عبارت‌اند از:

۵-۳-۱. وضعیت رجال اسناد تا شیخ صدوق

مجموع روایان اسناد تفسیر تا شیخ صدوق، چه در نسخ خطی و چه در احتجاج، نه نفر هستند؛ که با راوی و ناقل اولیه کتاب تفسیر، ده نفر می‌گردند. بررسی رجال این ده نفر عبارت‌اند از: ۱. روایان ابتدای شروع تمامی اسناد نسخ خطی تفسیر و نیز نسخ خطی کتاب موسوم به احتجاج، ناشناس هستند. ۲. جدای از آن که ترجمه و جرح و تعدیلی در منابع رجال متقدم از شاذان بن جبرئیل وجود نداد، و وی ناشناس و مجهول است؛ ارتباط او با تفسیر منسوب به عسکری علیه السلام نیز روشن نیست. ۳. محمد بن سراهنک از نظر رجال، بدون ترجمه، ناشناس و مجهول است. ۴. جدای از این که طبق پژوهش‌های جدید، مشخص شده که اساساً انتساب کتاب احتجاج کنونی و در دسترس ما، به ابومنصور طبرسی یعنی استاد ابن شهر آشوب، روشن و مستدل نیست؛ شخص «احمد بن علی طبرسی» نیز، نزد علمای رجال و تراجمی، ناشناس است؛ و اطلاعاتی از او، جز نام کتابهایش، در منابع رجال و تراجم شیعه وجود ندارد. ۵. از نظر رجال شیعه، مهدی مرعشی ناشناس و مجهول است؛ و با توجه به ترجمه سمعانی از او، مرعشی غالی معروف بوده؛ و با قراین دیگر، وی احتمالاً از غلات نصیریّه بوده است. ۶. چون ترجمه، جرح و تعدیلی در منابع رجال متقدم، از جعفر دوریستی یافت نمی‌شود؛ و فقط در نسخه رجال طوسی، وی ثقه دانسته شده؛ و طوسی، او و آثار وی را در فهرست شناسانده است، توثیق وی مشکوک به نظر می‌رسد؛ و لازم است تحقیقات نسخه‌شناسی در این باره انجام شود. ۷. با توجه به وضعیت سه اسناد تفسیر، ما حداقل در دو سند، یک طبقه میانی ناشناس داریم، که راوی آن را نمی‌شناسیم؛ و در یک سند، پدر جعفرالدوریستی، صاحب طبقه است؛ که البته شرح حالی از وی یافت نشد، و او ناشناخته و مجهول است. ۸. محمد دقاق یا رفاق، از نظر رجال مهمل یا حداقل، ناشناس و

۱. رک: «سند تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام»؛ و «بررسی رجال اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام تا شیخ صدوق»، سراسر متن.

مجهول است. ۹. چون ترجمه‌ای از ابن‌شاذان وجود ندارد، و متقدمین نیز توجه رجالی به وی نداشته‌اند؛ نمی‌توان قضاوت رجالی دقیق و مطابق با واقعی نسبت به او ارائه داد؛ و می‌طلبید که نسبت به وضعیت رجالی وی، توقف کرد. ۱۰. به علت نبود ترجمه جعفرقمی، و نبود اطلاعات کافی از منابع رجالی متقدم، قضاوت قطعی نسبت به توثیق و تعدیلی از او نیز نمی‌توان داشت؛ و درباره وضعیت شخصیت رجالی وی هم، باید متوقف شویم. بنابراین، در بررسی رجالی حدود ده تن از راویان اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام تا شیخ صدوق، مشخص می‌شود که جدای از افتادگی‌ها و ارسال این اسناد، بیشتر راویان این اثر، «ناشناس، مجهول و یا ضعیف» هستند.^۱

۵-۳-۲. وضعیت رجالی اسناد از شیخ صدوق تا عسکری

بررسی رجالی راویان اسناد تفسیر از شیخ صدوق تا عسکری، بعلاوه سهل دیباجی به عنوان یکی از راویان احتمالی تفسیر عسکری، نشان می‌دهد که غالب راویان این بخش از اسناد تفسیر، در منابع امامیه، مجهول هستند، و مابقی آن‌ها نیز توثیق نشده‌اند؛ به این صورت که: ۱. با این که عده‌ای از علماء، شیخ صدوق را ستوده‌اند، اما آن‌ها تصریح به وثاقت شیخ صدوق نکرده‌اند. به همین دلیل، برخی از علما و مشایخ حدیثی، این عدم تصریح به وثاقت شیخ صدوق را به معنی عدم وثاقت وی در نظر گرفته‌اند یا توقف نموده‌اند. هر چند که علمای متأخر دیگری، شأن شیخ صدوق را بالاتر از بیان توثیق دانسته‌اند. چون شیخ صدوق کتاب کنونی تفسیر عسکری را در اختیار نداشته است، وضعیت رجالی شیخ، در اصل کتاب تفسیر عسکری و به عنوان راوی این کتاب، نقشی نخواهد داشت. یعنی، اگر شیخ صدوق ثقه باشد، حدود چهل روایت از تفسیر عسکری، از نظر جایگاه این راوی، مورد اعتبار خواهند بود.

۲. جدای از تضعیف و جرح ابن‌غضائری، توثیقی از سهل دیباجی وجود ندارد.

۳. با توجه به ضعیف و کذاب خوانده شدن محمدبن قاسم توسط ابن‌غضائری، و نیز قدرت کم توثیق راوی بر اساس ترحم و تراضی؛ به نظر می‌رسد که وضعیت رجالی محمدبن قاسم را باید ضعیف ارزیابی نمود.

۴ و ۵. یوسف بن محمدبن زیاد و علی بن محمدبن سیار، در کتب رجالی و تراجمی و نیز

۱. رک: «بررسی رجالی اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام تا شیخ صدوق»، سراسر متن.

منابع امامیه، مجهول است؛ و اکنون تنها می‌دانیم که از شاگردان ناصر اطروش بوده‌اند. ۶ و ۷. تعدادی از روایات شیخ صدوق از تفسیر عسکری، به واسطه پدر یا پدران یوسف و علی درج شده‌اند. چه واسطه پدران در نقل روایت درست باشد و چه از تصحیفات نسخه برداری‌های آثار صدوق باشند، پدران یوسف و علی همانند خودشان، مجهول هستند. ۸. ابوالحسین احمد بن حسن الناصری، فرزند ناصر اطروش است؛ که در کتب رجالی و تراجمی و نیز منابع امامیه، مجهول است.^۱

۶. دلایلی که نشان می‌دهد تفسیر از امام عسکری علیه السلام نیست

مخالفین اعتبار و انتساب تفسیر به امام حسن عسکری علیه السلام هر کدام به دلایلی جهت اثبات نظر خود پرداخته‌اند.^۲ در این جا به صورت خلاصه، به برخی دیگر از دلایلی که نشان می‌دهد تفسیر از امام عسکری علیه السلام نیست، می‌پردازیم:

۱-۶. مشهور نبودن تفسیر در بین امامیه تا قرن ششم

ابتدا باید توجه نمود که چند کتابی که استناد به تفسیر به نقل از مفسر استرآبادی دارند، همه همان روایاتی است که صدوق از مفسر نقل کرده و هیچ کدام نقل از خود تفسیر نیست؛ و این بدان معنی می‌تواند باشد که نسخه تفسیر عسکری در اختیار این مؤلفان نبوده است. (برای دقت بیشتر، هم به وضعیت شناسایی تفسیر و راوی آن در فهرس و تراجم متقدم و متأخر خواهیم پرداخت).

با توجه به اسناد و منابع موجود، کتاب موسوم به احتجاج، اولین اثری است که به صورت مستقیم از این کتاب نقل قول نموده است؛ و در آن به عدم شهرت تفسیر نیز اشاره کرده است.

نویسنده مجهول احتجاج، در مقدمه کتاب می‌نویسد: «من بجز روایات تفسیر امام عسکری، بقیه روایات کتاب را بدون سند آورده‌ام؛ زیرا یا اجماع بر آن‌ها هست یا موافق

۱. رک: بررسی رجالی اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام از شیخ صدوق تا عسکری، سراسر متن.

۲. برخی از دلایل مخالفین اعتبار این کتاب عبارت است از: ۱. وجود اضطراب در متن و نحوه بیان مطالب که مناسب شأن امام علیه السلام نیست. ۲. وجود مطالب خارق العاده و معجزات عجیب و غریب؛ که در سایر کتب هیچ نشانی از آن‌ها نیست. ۳. وجود مطالب مخالف اعتقادات شیعه. ۴. وجود مطالب مخالف قطعیات علمی یا تاریخی. ۵. تضعیف ابن الغضائری درباره محمد بن قاسم. ۶. مجهول بودن یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن سیار. ۷. مشخص نبودن راوی اصلی و نهایی این روایات. ۸. و... (بعنوان نمونه رک: الاخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۱۵۲ - ۲۲۸).

عقل اند یا در کتب مخالف و موافق مشهورند؛ و روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام را با ذکر سند در ابتدای آن‌ها آوردم، چرا که از حیث شهرت، مانند بقیه روایات کتاب نیستند.^۱ این سخن مؤلف، در دوره‌ای میان ۵۴۰ قمری تا ۷۴۰ قمری بیان شده است؛ که تاریخ نگارش کتاب احتجاج است.^۲

۲-۶. عدم شناسایی تفسیر و روای آن در فهرس و تراجم متقدم و متأخر

پیش‌تر و در عنوان «سابقه تفسیر در منابع فهرستی و رجالی» مفصلاً بیان شد که تفسیر عسکری و روایان آن، مورد توجه مؤلفان کتاب‌های فهرس و تراجم متقدم و میانی امامیه نبوده است؛ و از آن مهم‌تر، علمای مهم رجالی متأخر، نظرات بسیار منفی نسبت به وضعیت این تفسیر ابراز نموده‌اند.

همه این‌ها، نشان از آن دارد که این کتاب مورد توجه و قبول علمای رجالی نبوده است؛ و از آن مهم‌تر، طبق گزارش‌ها که از ایشان پیش‌تر گذشت، آن‌ها انتساب کتاب به امام عسکری علیه السلام را منتفی دانسته‌اند.

۳-۶. تفسیر از ابتدای رواج، «منسوب» و مورد «مناقشه» بوده است

کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، از دیرباز میان دانشمندان شیعه،^۳ مخصوصاً علمای متأخر و جدید،^۴ مورد مناقشه و گفتگو است.^۵

به عنوان نمونه، علامه تستری (م ۱۴۱۶ق) جدای از کتاب اخبارالدخيلة،^۶ در چند جای قاموس الرجال، اشاره به موضوع بودن کتاب دارد.^۷

همچنین، خویی (م ۱۴۱۳ق) در معجم رجال الحدیث، در عنوان «علی بن محمد بن سیار» درباره تفسیر عسکری علیه السلام این‌گون نظر داده است: هذا مع أن الناظر فی هذا التفسیر لا یشک فی أنه موضوع، و جل مقام عالم محقق أن یکتب مثل هذا التفسیر، فکیف بالإمام علیه السلام.^۸

۱. الاحتجاج، ص ۹ و ۱۰.

۲. رک: در جستجوی ابوجعفر الحسینی العلوی المرعشی، سراسر متن.

۳. رجال ابن غضائری، ص ۹۸.

۴. معجم رجال، ج ۱۳، ص ۱۵۷.

۵. به عنوان نمونه رک: بحثی درباره تفسیر امام حسن العسکری علیه السلام، سراسر متن.

۶. الاخبارالدخيلة، ج ۱، ص ۱۵۲ - ۲۲۸.

۷. رک: قاموس الرجال، ج ۲، ص ۴۶۷؛ ج ۶، ص ۱۹؛ ج ۷، ص ۲۳۶؛ ج ۸، ص ۵۴۱؛ ج ۱۰، ص ۱۵.

۸. معجم رجال، ج ۱۳، ص ۱۵۷.

مناقشات این کتاب شیعی، چند بُعدی و از لایه‌های متعددی تشکیل شده است؛ یعنی هم شامل، تاریخ تألیف، و نیز انتساب کتاب به مؤلف و هم شامل اسناد و محتوای کتاب است.^۱

۴-۶. سند نسخه احتجاج متفاوت از سند نسخه تفسیر است

جدای از اسناد روایات شیخ صدوق در آثارش، تنها اثری که بخش قابل توجهی از روایات تفسیر عسکری را در خود، دارد، کتاب موسوم به احتجاج است. روایات این کتاب همگی بدون اسناد هستند، مگر همین روایات تفسیر عسکری، که مؤلف به خاطر عدم شهرتش، به همراه اسنادش ذکر نموده است.^۲

در اوایل کتاب احتجاج، که تاریخ نسخه خطی اش قدیمی‌تر از نسخه خطی تفسیر عسکری است، آمده: «... حدثنی أبو یعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و أبو الحسن علی بن محمد بن سیار و کانا من الشیعة الإمامیة قالاً حدثنا أبو محمد الحسن بن علی العسکری علیه السلام قال حدثنی ابي عن آبایه علیهم الصلاه والسلام...».^۳ این سند احتجاج، با کمی تفاوت در اختلاف «ابویهما» به عنوان راوی اضافه در سند یا توضیح اضافه، شبیه اسناد روایات شیخ صدوق است؛ که آن اسناد همگی از «حسن بن علی عن ابي عن آبائه» هستند. طبق این اسناد، حتی اگر حسن بن علی، ناصر اطروش نباشد، راوی اصلی اسناد، امام هادی علیه السلام و عسکری اول یعنی ابي حسن الثالث علیه السلام است. همان طور که ابن غضائری (ح ۴۵۰ق) نیز در رجال خود برای تفسیر عسکری اشاره کرده است: «والآخر علی بن محمد بن یسار عن ابيهما، عن ابي الحسن الثالث علیه السلام».^۴

بنابراین، مهم‌ترین تفاوت سند کتاب احتجاج در ناقل و قائل اصلی کتاب تفسیر است.

یعنی، در حال حاضر ما با سه ناقل احتمالی برای تفسیر عسکری روبرو هستیم:

۱. امام حسن بن علی عسکری متوفی ۳۰۴ق؛ امام زیدیه یعنی ناصر اطروش.
۲. امام علی بن محمد عسکری علیه السلام متوفی ۲۵۴ق؛ امام دهم امامیه.
۲. امام حسن بن علی عسکری علیه السلام متوفی ۲۶۰ق؛ امام یازدهم امامیه.

۱. به عنوان نمونه رک: بحثی در باره تفسیر امام حسن العسکری علیه السلام، سراسر متن.

۲. الاحتجاج، ص ۱۴ و ۱۵.

۳. الاحتجاج، نسخه خطی، ص ۵.

۴. رجال ابن غضائری، ص ۹۸.

۵-۶. ناهماهنگی داستان‌های راویان تفسیر با امام عسکری علیه السلام

در متن کنونی تفسیر، سه داستان مرتبط با راویان و مؤلف کتاب، یا بهتر بگوییم گوینده مطالب کتاب، وجود دارد. در این داستان‌ها، موارد متعددی وجود دارد که با ترجمه و زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام هماهنگ نیست.^۱ به عنوان نمونه، دو مورد ذکر می‌شود:

۵-۶-۱. امام به خاطر تحت‌الحفظ بودن و زندان، امکان آموزش نداشتن

در متن داستان آمده است: «... من برای شما هر روز چیزی از تفسیر می‌گویم تا بنویسید».^۲ امام حسن عسکری علیه السلام در دوران زندگی خود، شرایط ارتباطی بسیار سختی داشته‌اند؛ به این معنی که، جدای از بخش‌های زندگی امام حسن عسکری علیه السلام که در زندان به سر برده‌اند، ایشان در شهر سامرا، اقامت اجباری داشتند؛ و تحت مراقبت حکومت قرار داشت؛ جدای از آن، لازم هر دو شنبه و پنج‌شنبه خود را به دارالخلافه معرفی نمایند.^۳ جز مدتی اندک از اوایل امامت ایشان، که کمتر تحت فشار حکومت بودند، و برخی محدود از ملاقات‌ها با شیعیان داشته‌اند؛ پس از آن، حتی افراد و شیعیان ایشان نمی‌توانستند با وی ملاقات نمایند. از این رو هنگامی که امام به دارالخلافه برده می‌شد، شیعیان در مسیر حرکت او حاضر می‌شدند تا او را ملاقات کنند.^۴ ولی به خاطر مراقبت‌های حکومت، گاه امام علیه السلام، شیعیان را از همین نوع رابطه با خود نیز منع می‌کرد.^۵

وضعیت آموزش «هر روزه»، ویژه «مدارس آموزشی» است؛ مخصوصاً که این آموزش روزانه، طولانی مدت باشد، با زندگی امام یازدهم، امام حسن عسکری علیه السلام ناهماهنگ است؛ و با وضعیت تحت‌الحفظ بودن و دسترسی سخت مردم، ایشان نمی‌توانسته این آموزش‌هایی به صورت «روزانه» و «ممتد» داشته باشند.

۵-۶-۲. عدم هماهنگی هفت سال آموزش با زندگی امام عسکری علیه السلام

در متن داستان آمده است، از قول راویان تفسیر، که متن تفسیر برای آن‌ها بیان شده است، آمده است: «... هفت سال، هر روز مقداری از تفسیر را می‌نوشتیم».^۶ در ادامه عنوان

۱. رک: تحلیل داستان‌های راویان تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، سراسر متن.

۲. تفسیر عسکری، ص ۱۱.

۳. معالم العلماء، ج ۴، ص ۴۳۲.

۴. رک: الغیبة طوسی، ص ۲۱۵ و ۲۱۶؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۹۳۰.

۵. الخرائج راوندی، ج ۱، ص ۴۳۹.

۶. تفسیر عسکری، ص ۱۱.

قبل، قابل توجه است که جدای از استبعاد آموزش روزانه توسط امام حسن عسکری علیه السلام، زمان و مدت «هفت ساله» آموزش نیز، که در داستان آمده است؛ بسیار مهم است؛ و از دو جهت می‌توان در آن تأمل نمود: اول این که، همان طور که اشاره شد، امام یازدهم شیعیان، با توجه به شرایط زندگی و سخت‌گیری‌های حکومت برای ایشان در سامرا، امکان آموزش، آن هم به مدت هفت سال را نداشته‌اند. دوم این که، دوران امامت امام حسن عسکری علیه السلام شش سال است^۱ و این عدد با عدد هفت سال آموزش تفسیر، هماهنگی ندارد.

جدای از این مسأله، حتی اگر زمان آموزش را شش سال و مطابق با مدت امامت امام یازدهم حسن عسکری علیه السلام در نظر بگیریم؛ باز یک نکته مهم جلوه‌گری می‌کند؛ و آن این که، چرا هیچ گزارشی از این آموزش روزانه که تمام مدت امامت ایشان را دربر گرفته است؛ در منابع دیگر تاریخی و حدیثی شیعه وجود ندارد؟ همین مسأله، و مطالبی که گذشت، می‌تواند گویای آن باشد که شخصیت حسن بن علی در این داستان، شخص امام حسن عسکری علیه السلام نیست.

۶-۶. تفسیر مورد استفاده علما قرار نگرفته

شاید مهم‌ترین دلیل بر عدم انتساب کتاب تفسیر عسکری به امامین عسکرین علیهم‌السلام، این مهم باشد که این کتاب و روایات آن، به صورت قابل قبولی، مورد استفاده جمهور علمای امامیه قرار نگرفته و فقط برخی از علمای اخباری میانی و متأخر، که گرایش‌های شدید ولایی داشته یا دارند، به خاطر مضمون خاص این تفسیر، از این کتاب استفاده نموده‌اند؛ در صورتی که اگر انتساب این کتاب به امام علیه السلام حتمی بود، روایات این تفسیر توسط عموم علمای امامیه مورد استفاده گسترده قرار می‌گرفت.

۷. وجود شواهدی برای مؤلف اصلی تفسیر

با توجه به بعضی از شواهد متنی تفسیر، همانند داستان ابتدای کتاب، و جغرافیای راویان و نشر این تفسیر در منطقه طبرستان و نیز اسامی مشابه امام یازدهم شیعیان علیه السلام با حسن بن علی عسکری اطروش و شرح حال و زندگانی وی، این فرضیه طرح می‌شود که تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، از آن ناصر کبیر اطروش (م ۳۰۴ ق) است. منشأ اشتباه انتساب تفسیر به امام عسکری علیه السلام نیز، می‌تواند این موارد باشد: ۱. هم‌نامی،

هم کنیه‌ای و هم لقبی اطروش با امام یازدهم علیه السلام. ۲. به کارگیری عنوان امام علیه السلام برای اطروش در منابع متقدم. ۳. راوی بودن پدر اطروش. ۴. هم دورگی و هم عصری ایشان. ۵. مورد توجه بودن ناصر اطروش در میان شیعیان.^۱

سرآغاز این اشتباه در انتساب نیز، ممکن است از تصحیف در نسخه برداری آثار صدوق، شروع شده؛ و به نظر می‌رسد که این تغییر انتساب، در دو مرحله، یعنی تغییر انتساب تفسیر به امام هادی علیه السلام، و در مرحله دوم، تغییر انتساب به امام حسن عسکری علیه السلام، صورت گرفته است.^۲

نتیجه

۱. بررسی سابقه تفسیر، نشان می‌دهد که تفسیر عسکری و راویان آن، مورد توجه مؤلفان کتاب‌های فهرس و تراجم متقدم و میانی امامیه نبوده‌اند؛ و از آن مهم‌تر، علمای رجالی متأخر، نظرات بسیار منفی نسبت به وضعیت این تفسیر ابراز نموده‌اند.

۲. اولین کسی که از برخی روایات تفسیر عسکری استفاده نموده، شیخ صدوق است؛ و بقیه افرادی که این دست روایات تفسیر را نقل نموده‌اند. در جمع‌بندی اسناد تفسیر در آثار صدوق، و قراین و شواهد جنبی، به نظر می‌رسد که وی کتاب تفسیر را به صورت مستقیم در اختیار نداشته است.

۳. محتمل است که تفسیر منسوب به امام عسکری، از چند طریق به نسل‌های بعدی امامیه منتقل شده باشد: یک. از طریق سهل دیباجی. دو. از طریق محمد بن قاسم استرآبادی سه. از طریق حسن بن خالد. همچنین، چند مرحله برای دسترسی امامیه به تفسیر عسکری قابل فرض است؛ و نیز، چند احتمال برای برخی تغییرات سندی یا تصحیح اسناد، قابل طرح است.

۴. قدیمی‌ترین نسخه مستقل تفسیر، به تاریخ ۸۰۸ قمری است. این نسخه، دو خطی، ترمیمی و صفحات اولیه و انتهایی آن که تاریخ کتابت دارد، نونویس هستند. قدیمی‌ترین نسخه غیرمستقل کتاب تفسیر نیز، به تاریخ ۷۳۶ قمری است. همچنین، متن نسخه موجود از تفسیر ناقص است، و فقط شامل سوره فاتحه و بقره تا آیه ۲۸۲ است. در متن تفسیر، مواردی وجود دارد که نشان می‌دهد که نسخه بردار اولیه، بخش‌های از جزوات تفسیر را یافته،

۱. رک: بازشناسی مؤلف تفسیر منسوب به عسکری، سراسر متن.

۲. رک: گزارش شکلی اسناد تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، سراسر متن.

و امیدوار بوده است تا بخش های مفقود دیگر تفسیر را نیز بیابد و به جمع جزوات تفسیر اضافه نماید.

۵. نسخ خطی تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، حدود دویست سال فاصله زمانی بدون راوی، تا راوی نهایی اسناد نسخه دارند؛ و جدای از ارسال اسناد تا راویان اولیه ناشناس و مجهول در قرن پنج و هفت، این اسناد، دارای افتادگی جلی و خفی هستند. همچنین، بررسی رجالی راویان اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام نشان می دهد که بیشتر راویان این اثر، «ناشناس، مجهول و یا ضعیف» هستند.

۶. دلایل متعدد و قابل توجهی نشان می دهد که تفسیر کنونی از امام عسکری علیه السلام نیست. از آن سو، با توجه به شواهد مختلفی، این فرضیه قابل طرح است که تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، از آن ناصر کبیر اطروش (م ۳۰۴ق) است.

کتابنامه

الاحتجاج، أحمد طبرسی، نجف، النعمان، ۱۳۸۶ق.
الاحتجاج، أحمد طبرسی، نسخه خطی کتابخانه حوزه علمیه اردکان به شماره ۱۷۷، به تاریخ ۷۳۶ق.

الاخبار الدخیلة، محمدتقی شوشتری، تهران، الصدوق، ۱۴۰۱ق.
اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، بی جا، مرکز تحقیقات و مطالعات، ۱۳۴۸ش.
اعیان الشیعة، محسن امین عاملی، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۲۱ق.

آلاء الرحمن، محمدجواد بلاغی، قم، الوجدانی، بی تا.
الأمالی، شیخ صدوق، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.

امل الآمل، محمد حر عاملی، بغداد، اندلس، بی تا.
پژوهش های قرآنی علامه، ابوالحسن شعرانی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.

تفسیر، منسوب به امام عسکری علیه السلام، تحقیق: ابطحی، قم، بی نا، ۱۴۰۹ق.
تفسیر القمی، علی قمی، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.

تنقیح المقال، مامقانی، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۳۱ق.
التوحید، شیخ صدوق، چاپ طهرانی، قم، بی نا، ۱۳۵۷ش.

جامع، محمد اردبیلی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.

- جامع الاحادیث، جعفر ابن رازی، تهران، اسلامی، ۱۳۶۹ق.
- الخرائج، سعید راوندی، قم، امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ق.
- الخصال، شیخ صدوق، تهران، الصدوق، ۱۳۸۹ق.
- خلاصة الاقوال، حسن حلی، قم، الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- «حسن عسکری (ع)»، احمد پاکتچی، دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۲۰، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۱ش.
- الذریعة، آقا بزرگ تهرانی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- رجال النجاشی، احمد نجاشی، قم، اسلامی، ۱۴۰۷ق و ۱۴۱۸ق.
- رجال، احمد ابن غضائری، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- رجال، احمد برقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
- رجال، شیخ طوسی، به کوشش: بحرالعلوم، نجف، بی نا، ۱۳۸۱ق.
- ریاض العلماء، عبدالله افندی اصفهانی، قم، بی نا، ۱۴۰۳ق.
- شارع النجاة، محمدباقر داماد، تهران، جمال الدین میرداماد، ۱۳۹۷ش.
- صفات الشیعه، شیخ صدوق، تهران، اعلمی، ۱۳۶۲ش.
- علل الشرایع، شیخ صدوق، قم، الداوری، بی تا.
- عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، نجف، الحیدریة، ۱۳۹۰ق.
- الغیبة، شیخ طوسی، قم، معارف اسلامی، ۱۴۲۹ق.
- الفهرست، شیخ طوسی، تحقیق: جواد القیومی، قم، بی نا، ۱۴۱۷ق.
- الفهرست، علی منتجب الدین، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۳۶۶ش.
- فهرستگان نسخه های خطی ایران، مصطفی درایتی، تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۹۱ش.
- الفوائد الرجالية، محمد مهدی بحرالعلوم، تهران، الصادق (ع)، ۱۳۶۳ش.
- قاموس الرجال، محمد تقی شوشتری، قم، الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
- کنز الفوائد، محمد کراچکی، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰ق.
- کشف الغمة، علی اربلی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.
- مجمع الرجال، عنایة الله قهبانی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش.
- معالم العلماء، محمد ابن شهر آشوب، نجف، الحیدریة، بی تا.

- معانی الاخبار، شیخ صدوق، قم، اسلامی، ۱۳۷۹ق.
- معجم رجال، ابوالقاسم خویی، بی جا، موسسه آیه الله خویی، ۱۴۱۳ق.
- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، قم: اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- منهج المقال، محمد استرآبادی، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۲۲ق.
- نقد الرجال، مصطفی تفرشی، قم، آل البيت علیهم السلام، بی تا.
- «بازشناسی مؤلف تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام»، کاظم استادی، مخصوص: کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۰ش.
- «بحثی درباره تفسیر امام حسن العسکری علیه السلام»، رضا استادی، نورعلم، ش ۱۳، ۱۳۶۴ش.
- «بررسی انتساب کتاب الاحتجاج به طبرسی»، کاظم استادی، مخصوص: کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۰ش.
- «بررسی رجالی اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام از شیخ صدوق تا عسکری»، کاظم استادی، قرآن و روشنگری دینی، ۱، ش ۵، ۱۴۰۰ش.
- «بررسی سندی و رجالی اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام تا شیخ صدوق»، کاظم استادی، قرآن و روشنگری دینی، ۱، ش ۳، ۱۴۰۰ش.
- «تحلیل داستان های راویان تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام»، کاظم استادی، مطالعات ایرانی - اسلامی، ۱۰، ش ۲، ۱۴۰۰ش.
- «در جستجوی ابوجعفر الحسینی العلوی المرعشی»، کاظم استادی، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ش ۷۲، ۱۴۰۰ش.
- «سند تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام»، مطالعات قرآن و حدیث، س ۱، ش ۱، ۱۳۸۶ش.
- «گزارش شکلی اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام»، کاظم استادی، حدیث پژوهی، ش ۲۷، ۱۴۰۰ش.
- «معرفی و بررسی کهن ترین نسخه خطی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام»، کاظم استادی، هفت آسمان، ش ۸۲، ۱۴۰۰ش.